

## آغاز امارت اسحاق بن احمد سامانی (۳۰۱ ه.ق.) در سمرقند با استناد بر شواهد سکه‌شناسی

محمد امین سعادت‌مهر<sup>I</sup>، حسین کوهستانی اندرزی<sup>II</sup>،  
حسن هاشمی زرج‌آباد<sup>III</sup>، زهره جوزی<sup>IV</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.21034.2084  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸  
نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۸۸-۱۷۳

### چکیده

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).  
ma.saadatmehr@gmail.com  
II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.  
III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.  
IV. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

پس از کشته شدن «احمد بن اسماعیل» (۲۹۵-۳۰۱ ه.ق.)، هم‌زمان «اسحاق بن احمد»، بزرگ خاندان «سامانی» و «نصر بن احمد» (۳۰۱-۳۳۱ ه.ق.)، فرزند خردسال «امیر احمد» به ادعای امارت برخاستند که در نهایت به نزاع و پیروزی نصر خردسال انجامید. از آنجایی که کتب تاریخی مطالب پراکنده و متفاوتی در این باب داشته، علم سکه‌شناسی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را برای رفع این تفاهات در اختیار محققین قرار دهد؛ پس پایه و مبنای اصلی این مقاله را داده‌های سکه‌شناسی، به ویژه فلسی شاخص از «امیر اسحاق» تشکیل می‌دهد که نام امیر در گذشته، «اسماعیل بن احمد» (۲۷۹-۲۹۵ ه.ق.) را نیز بر خود جای داده و به تاریخ ۳۰۱ ه.ق. در شهر سمرقند به ضرب رسیده است. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. چگونه می‌توان با استفاده از سکه مسین امیر اسحاق (ضرب سمرقند به سال ۳۰۱ ه.ق.) بخشی از تاریخ آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. نام امیر در گذشته، اسماعیل به چه علت برای این نوع سکه نقر گردیده و در مشروعیت یافتن اسحاق چه نقشی داشته است؟ این مقاله بر آن است تا علاوه بر معرفی این سکه شاخص که برای نخستین بار انجام می‌گردد، با رویکرد باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی به بازسازی و مشخص ساختن علل برخی از حوادث با همراهی داده‌های سکه‌شناسی در کنار متون تاریخی بپردازد. برآیند اصلی این پژوهش، مسأله مشروعیت یافتن امیر اسحاق از جانب خلافت بغداد بود که می‌توان نتیجه یافت، این سکه در خلال فرآیند مشروعیت‌یابی امارت اسحاق از جانب خلافت عباسی، به ضرب رسیده و از آنجا که ضرب سکه نشانی از قدرت یافتن محسوب می‌شده و مشروعیت وی برای امارت نیز در دست اقدام بوده، آوردن نام امیر ماضی بر سکه‌ها، می‌توانسته مشروعیت اسحاق را در آن مدت تضمین سازد.

**کلیدواژگان:** اسحاق بن احمد، سمرقند، سکه‌شناسی، سامانیان، نصر بن احمد.

## مقدمه

پس از کشته شدن احمد بن اسماعیل در ماه جمادی‌الآخره سال ۳۰۱ ه.ق.، هرج و مرج گسترده‌ای قلمرو سامانیان را فراگرفت، جبهه‌ای دوقطبی بر سر امارات یافتن شکل گرفت؛ قطب بخارا و نشانیدن فرزند هشت ساله احمد، نصر، و قطب سمرقند و نشانیدن بزرگ خاندان سامانی، برادر امیر اسماعیل، اسحاق بن احمد که در نهایت این نزاع با ظفر یافتن قطب بخارا بر سمرقند، به سود امیر نو، نصر پایان یافت.

زمانی که به مطالعه در این باب اشتغال داشتیم، هنگام بررسی کتابچه حراجی مؤسسه سکه‌های کمیاب استیفن آلبوم<sup>۱</sup>، سکه‌ای مسین از امیر اسحاق سامانی، جلب توجه می‌نمود. در دنیای سکه‌شناسی، سکه‌ها از نظر کمیت در هفت رده طبقه‌بندی می‌شوند: (A) سکه‌های فراوان، (C) سکه‌های رایج، (S) سکه‌های نسبتاً کمیاب، (R) سکه‌های کمیاب، (RR) سکه‌های خیلی کمیاب، (RRR) سکه‌های نایب، و (RRRR) سکه‌های منحصربه‌فرد (<http://db.stevealbum.com/php/rarity.php>)؛ کتابچه حراجی نیز این سکه را از نظر کمی در طبقه سکه‌های نایب (RRR) قرار داده و آن را مربوط به اولین روزهای ادعای امارت اسحاق بر قلمرو سامانیان، می‌داند؛ «فلسی از شهر سمرقند، ضرب شده به سال ۳۰۱ ه.ق.» (*Stephen Album Rare Coins*, 19-21 September 2013: 17/477).

به دنبال این سکه به جستجو در منابع سکه‌شناسی پرداخته، تا اطلاعات بیشتری در این باره به دست آوریم؛ با رجوع به کامل‌ترین کتاب در باب مسکوکات اسلامی، یعنی کتاب فهرستواره سکه‌های اسلامی<sup>۲</sup> اشاره‌ای کوتاه بدان سکه را یافتیم که خبر از نایابی آن می‌داد (Album, 2011: 153)؛ پس نایابی این سکه و اهمیت این دوره تاریخی، ما را مصمم ساخت تا قدم در راه این پژوهش گذاریم.

**اهداف و ضرورت پژوهش:** از آنجایی که در هر دوره‌ای - پیروز میدان نبرد - تاریخ را می‌نگارد، ساده‌اندیشی است که مکتوبات تاریخی را امین بدانیم؛ پس باید از داده‌های باستان‌شناختی نیز در کنار متون استفاده گردد تا مهر تأیید یا بطلانی بر آن‌ها باشد. در اینجا سکه‌ها را می‌توان سندی ارزشمند و بهترین داده باستان‌شناختی در این باب دانست؛ زیرا به همان زمان تعلق داشته و مثل سایر کتاب‌ها، با هدف خوانش مجدد ایجاد نشده‌اند (کیان‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۲)؛ پس با توجه به آن که کتاب‌های تاریخی اطلاعات پراکنده و متفاوتی، به‌ویژه زمان این رخداد ارائه می‌دهند، این فلس مسی در کنار سایر سکه‌ها که در اوج هرج و مرج به ضرب رسیده‌اند، می‌تواند به‌عنوان سندی ارزشمند در کنار سایر کتاب‌ها و داده باستان‌شناختی قرار گیرد و برخی از نکات تاریک تاریخ این دوره را روشن سازد.

**پرسش‌های پژوهش:** این پژوهش، دو پرسش اصلی را در پی دارد؛ ۱. چگونه می‌توان با استفاده از سکه مسین امیر اسحاق (ضرب سمرقند به سال ۳۰۱ ه.ق.) بخشی از تاریخ آن عصر را بازسازی نمود؟ ۲. نام امیر درگذشته، اسماعیل به چه علت بر این نوع سکه نقر گردیده و در مشروعیت یافتن اسحاق چه نقشی داشته است؟

**روش پژوهش:** باستان‌شناسی، صرف کاوش و توصیف داده‌های مکشوف

نیست؛ باستان‌شناسی جدای از مطالعه‌ی تمامی رفتارهای مادی، مطالعه و بررسی رفتارهای معنوی گذشتگان ما را نیز دربر می‌گیرد. این گونه از مطالعات می‌تواند در زمینه‌های ادیان، اساطیر، هنر، ادبیات و حتی سیاست باشد (موسوی حاجی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶)، پس برای این منظور باید رویکردی اختصاصی اتخاذ نمود؛ در این پژوهش از رویکردهای باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی کمک گرفته شد تا داده‌های باستانی، یعنی سکه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

باستان‌شناسی ادراکی، مطالعه و بررسی نحوه تفکر در گذشته است که از طریق بقایای به جا مانده از گذشته، به زاینده‌های ذهنی پی می‌برد (رنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۷۳). رهیافت تاریخی نیز بازسازی گذشته انسانی بر پایه بررسی و تحلیل انتقادی متون تاریخی صورت می‌پذیرد که در نهایت با داده‌های باستان‌شناختی ارزیابی می‌شود و تحلیل نهایی را ارائه می‌کند. در واقع استفاده از باستان‌شناسی ادراکی و رهیافت تاریخی در دوره سامانیان که هم شواهد مادی و هم متون تاریخی زیادی برجای مانده است، می‌تواند پایه‌ای اصلی و مناسب قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های فراوانی درباره تاریخ و سکه‌شناسی این بخش از تاریخ عصر سامانی صورت پذیرفته است، اما سراسر آن‌ها خطی و تک‌بُعدی بوده‌اند، یعنی نگاهی فراتر مسایل تاریخی و سکه‌شناسی به این محدوده تاریخی نداشته‌اند؛ اما درباره سکه‌های این دوره حساس تاریخی، یعنی سکه‌های سال ۳۰۱ ه.ق.، تاکنون دو پژوهش اختصاصی تحت عناوین «تاریخ انتقال حکومت اخصیکت به حاکم تابع سامانی، محمد بن اسد»<sup>۳</sup> (Fedorov, 2008) و «پژوهشی بر سکه‌های شاخص از نصر بن احمد سامانی (ضرب شده به سال ۳۰۱ ق در سمرقند)، با خوانشی نو از تاریخ سیاسی آن دوره» (رایگانی و سعادت‌مهر، ۱۳۹۸)، به انجام رسیده است که هر دو به بررسی سکه‌های پس از پیروزی نصر دوم بر امیر اسحاق، می‌پردازد.

### کلیاتی در باب سکه‌های مسین سامانی و معرفی فلس ۳۰۱ ه.ق. سمرقند

سکه‌ها در دوره سامانی به طور غالب و مانند سایر حکومت‌های هم‌دوره و پیشین، از طلا (دینار)، نقره (درهم)، و مس (فلس) به ضرب می‌رسید. در باب تقسیم واحدهای پولی سکه‌های مسین در دوره سامانی اطلاعی در دست نیست، همین قدر معلوم است که آن‌ها را به طور کلی «فلس» می‌نامیدند؛ حتی از نظر وزن و مقیاس نیز آن سکه‌ها قابل تفکیک نیستند، زیرا به گونه پراکنده‌ای اوزانی بین ۲ تا ۴٫۵ گرم دارند، شاید بتوان این اوزان را محلی و منطقه‌ای دانست. وزن سکه مورد مطالعه این مقاله نیز مطابق اوزان رایج، ۲٫۸۲ گرم می‌باشد (Stephen Album Rare Coins, 19-21 September 2013: 17/477).

فلس‌های سامانی، در آغاز بیشتر در شهرهای سمرقند، شاش، (واخصیکت) ضرب می‌شد، اما پس از سال ۳۰۲ ه.ق. ضرب این سکه‌ها در بخارا رواج بیشتری یافت. نکته جالب در این باره این‌که فلس‌ها تا پایان دوره سامانی، هم‌چون دینارهای

طلا، با دقت فراوان به ضرب می‌رسید؛ هرچند نمونه‌های یافت شده غالباً ساینده و فرسوده شده‌اند (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۲۷۴).

طرح فلس‌های سامانی از یک الگوی خاص پیروی می‌کند، هرچند که برخی از سکه‌ها خارج از این قاعده قرار گرفته‌اند. پشت و روی سکه‌ها از نوشتاری مرکزی و نوشتاری در حاشیه تشکیل شده است؛ برای آشنایی با طرح این سکه‌ها، فلسی از نصر بن احمد (۲۵۰-۲۷۹ ه.ق.) که در زمان امارت پدرش، «احمد بن اسد» (۲۰۴-۲۵۰ ه.ق.) به تاریخ ۲۴۵ ه.ق. در شهر سمرقند به ضرب رسیده است، مورد مثال قرار می‌گیرد.

بر مرکز روی این سکه<sup>۴</sup> عبارت: «لله / محمد / رسول / الله / نصر (نام امیر / امیرتابع)» و بر حاشیه آن عبارت: «مما امر بالامیر احمد بن اسد (نام امیر / امیرتابع) ابقاه الله» نقر گردیده است؛ بر مرکز پشت این سکه عبارت: «لا اله الا الله وحده / لا شریک له» و بر حاشیه آن عبارت: «بسم الله ضرب هذا الفللس (مبلغ اسمی) بسمرقند (ضرابخانه) سنه خمس و اربعین و مائتین (تاریخ)» نگاشته شده است.

اما نکته‌ای که در این قسمت باید یادآور شد، در باب نام‌های روی سکه‌ها می‌باشد؛ چه نام امیر و چه نام امیرتابع؛ پس اگر زمانی امیر سامانی: ۱. در قلمرو خود فلسی به ضرب رساند، نامش بر مرکز و هم بر حاشیه سکه نقر می‌گردد. ۲. امیری وابسته به منطقه‌ای گماشته باشد و فلسی در آن به ضرب برسد، نام امیر سامانی بر مرکز و هم بر حاشیه سکه نگاشته می‌شود. ۳. امیری نیمه‌مستقل را به منطقه‌ای بگمارد و فلسی در آن به ضرب برساند، نام امیرتابع بر مرکز روی سکه حک شده و نام امیر سامانی به حاشیه سکه منتقل می‌گردد. ۴. امیری مستقل را بر منطقه‌ای استیلا داده باشد و فلسی در آن منطقه ضرب گردد، نام امیرتابع مستقل بر مرکز و هم بر حاشیه پدید می‌آید که مثالی برای آن می‌تواند سکه‌هایی از امیر اسحاق باشد که در زمان امارت برادرش امیر اسماعیل به ضرب رسانده است.

سکه‌ای که برای مثال گونه چهارم انتخاب گردیده، سکه‌ای از امیر اسحاق است که به سال ۲۸۴ ه.ق. در شهر اخسیکت به ضرب رسیده است؛ بر مرکز روی این سکه عبارت: «لله / محمد / رسول / الله / اسحق (امیرتابع مستقل)» و بر حاشیه آن عبارت: «مما امر بالامیر اسحق بن احمد ابقاه الله (/ اعزه الله، بر برخی از سکه‌ها)» نقر گردیده است؛ بر مرکز پشت این سکه عبارت: «لا اله الا الله وحده / لا شریک له» و بر حاشیه آن عبارت: «بسم الله ضرب هذا الفللس باخسیکت سنه اربع و ثمانین و مائتین» نگاشته شده است.

البته این نکته نباید فراموش شود که این سکه‌ها، به سکه‌های «سامانیان اخسیکت» معروف گشته‌اند؛ اما چرا سامانیان اخسیکت؟ «اخسیکت» یا «اخسیکت» پایتخت ولایت فرغانه در ساحل شمالی شاخاب اصلی سیحون بود (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۳۸۴). امیر احمد در زمان امارت خود، به سال ۲۴۴ ه.ق. حکومت شهر سمرقند را به پسر ارشد خویش، نصر واگذار کرد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴/۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۵۴/۲؛ مجدی الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۱۴) و خود ادامه حیات را در فرغانه گذراند. پس از مرگ احمد (۲۵۰ ه.ق.)، نصر به امارت سامانیان



▲ شکل ۱. نصر بن احمد (تحت تابعیت احمد بن اسد)، سمرقند، ۲۴۵ ه.ق. (Stephen Album Rare Coins, 18-19 January 2013: 15/413).

رسید و ایالت فرغانه را به برادرش اسد (۲۵۰-۲۶۹ هـ.ق.) به گونه استیلا سپرد؛ از آن پس تا سال‌های ابتدایی حکومت نصر دوم، ایالت فرغانه، امیرنشینی مستقل قلمداد می‌شد و افرادی از خاندان سامانی بر آن حکمرانی می‌کردند که به «سامانیان اخسیکت» معروف شدند (Album, 2011: 155-156).

آن چه در باب فلس ۳۰۱ هـ.ق. سمرقند حایز اهمیت است، این نکته که سکه مذکور در هیچ‌کدام از چهار گونه از روابط نام‌ها بر مرکز و حاشیه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا بر مرکز روی سکه نام امیر اسحاق آمده و در حاشیه آن نام امیر درگذشته، اسماعیل نقش گردیده است که این امر بی‌علت نیست. (در ادامه توضیحات بیشتری خواهد آمد).

نگاشته‌های این سکه:

- روی سکه: لله / محمد / رسول / الله / اسحق .
- در حاشیه: مما امر بالامیر اسماعیل بن احمد ابقاه الله .
- پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له .
- در حاشیه: بسم الله ضرب هذا الفلوس بسمرقند سنه احدی (کلمه «احدی» کمی در این سکه ساییده شده) و ثلاثائه .

### مختصری از پیشینه امیر اسحاق بن احمد سامانی

«ابویعقوب اسحاق بن احمد» یکی از پسران «احمد بن اسد سامانی» بود؛ احمد، هفت پسر به نام‌های «نصر»، «اسماعیل»، «یعقوب»، «یحیی»، «اسد»، «حمید»، و «اسحاق» داشت (ابن فندق، ۱۳۱۷: ۶۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۳۱/۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۳۹/۱۰؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۰۱/۲۵؛ ابوالفداء، بی‌تا: ۵۰/۲؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۰/۳؛ القلقشندی، بی‌تا: ۲۶۰/۲؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۸۴/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۱۴/۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۵۴/۲؛ مجدی الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۱۴) که بزرگ‌ترین آن‌ها نصر بود، اما ترتیب سنی باقی نامشخص است؛ «حاکم نیشابوری»، اسحاق را برادر بزرگ‌تر اسماعیل دانسته است (۱۳۷۵: ۱۰۹) که به نظر نگارندگان صحیح نمی‌نماید و دلیل این مدعا، خشم گرفتن و ناسزا گفتن اسماعیل به اسحاق، پس از پیروزی بر بزرگ‌ترین برادر، نصر باشد؛ زمانی که اسماعیل در مقابل نصر خود را از اسب به زمین می‌اندازد، اما اسحق از اسب خویش فرو نمی‌آید (النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۰۱). اولین اشاره موجود بر اقدامات اسحاق را، «سمعانی» به تحریر درآورده که او از جانب پدر، احمد، صاحب دیوان مظالم بخارا بوده است (سمعانی، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۳)؛ اما «ذهبی» همین سمت را، از جانب برادر، اسماعیل نگاشته است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۸/۲۳). با توجه قلمرو سیاسی سامانیان در عهد احمد، معلوم می‌گردد که بخارا تحت نفوذ این امارت نبوده است و همان‌طور که گفته شد، در زمان نصر و با همت اسماعیل، این شهر فتح و در قلمرو سامانیان قرار می‌گیرد؛ پس سخن سماعانی چندان پذیرفته نیست، اما گفته ذهبی می‌تواند مورد تأیید و اعتبار باشد.

دگر بار که نام اسحاق در تاریخ ذکر شده، پس از صلح نصر و اسماعیل در اولین تقابل به سال ۲۷۳ هـ.ق. است که اسحاق به واسطه این صلح از جانب برادر، نصر،



▲ شکل ۲. اسحاق بن احمد (تحت تابعیت اسماعیل بن احمد)، اخسیکت، ۲۸۴ هـ.ق. (Stephen Album Rare Coins, 16-18 January 2014: 18/451)

خلعت دریافت می‌کند. بار دیگر اسحاق در دومین تقابل نصر و اسماعیل به سال ۲۷۵ هـ.ق. نقش می‌یابد. در اولین رویارویی کارزار برایش سخت می‌آید و به «فرپ» عقب نشینی می‌کند؛ پس از این اسماعیل، نبرد را از آن خود می‌کند و اسحاق را با لشکرش از فرپ باز می‌خواند و جنگ را تا پیروزی ادامه می‌دهند. در نهایت نیز پس از پیروزی، دو برادر، نصر را با احترام بدرقه کرده و به سمرقند باز می‌گردانند (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۹-۱۰۱).

بنابر شهادت مسکوکات، اسحاق به سال ۲۷۸ هـ.ق. به امارت ایالت فرغانه رسید و به ضرب فلس‌هایی در اخیسکث به سال‌های ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۷ و ۲۹۰ هـ.ق.، و اوش به سال ۲۸۴ هـ.ق. اقدام می‌نماید. این احتمال وجود دارد که پس از پیروزی اسماعیل بر نصر، چون برادر دیگر، اسد (۲۵۰-۲۷۰ هـ.ق. در فرغانه) در آن جنگ جانب نصر را داشت (النرشخی، ۱۳۱۷: ۹۷، ۹۹)، اسماعیل به کیفر، احمد بن اسد (۲۷۰-۲۷۸ هـ.ق. در فرغانه)، پسر او را که امیر فرغانه بود، عزل ساخته و اسحاق را به پاس خدمت بر آنجا گمارده باشد. در ادامه باید گفت پس از درگذشت نصر، امارت سمرقند نیز به اسحاق واگذار گشته، زیرا با نام او به سال ۲۸۱ هـ.ق. در سمرقند سکه فلسی به ضرب رسیده است. در آخر نیز احتمالاً به سال ۲۹۰/۲۹۴ هـ.ق.، اسحاق امارت فرغانه را به فرزندش، محمد (به احتمال دوره اول ۲۹۰/۲۹۴-۲۹۵ هـ.ق. در فرغانه، دوره دوم ۲۹۸-۲۹۹/۳۰۱/۳۰۳ هـ.ق. در فرغانه) واگذار کرده؛ زیرا فلس‌هایی نیز از او به سال‌های ۲۹۴، ۲۹۹ هـ.ق. در اخیسکث ضرب گشته است (Dobrovolskiy, 1967: 88; Fedorov, 2004: 121; Album, 2011: 155-156).

اسحاق، کماکان به امارت سمرقند مشغول بود، تا برادرزاده‌اش، احمد به دولت سامانی رسید. با به قدرت رسیدن احمد، عامل گرگان، «بارس الکبیر» سر به عصیان برداشت؛ پس احمد خواست تا رهسپار سرکوب وی گردد. در همین زمان «ابراهیم بن زیدویه» که از مشاوران احمد بود، از او خواست تا قبل از هر اقدامی، به سمرقند رود و عمویش، اسحاق را در بند کند، تا ممانعتی از شورش احتمالی شود؛ احمد نیز اسحاق را دستگیر و به بخارا فرستاد. در نهایت پس از سه سال، به سال ۲۹۸ هـ.ق.، اسحاق از بند رها گشته، دوباره در سمرقند و فرغانه به امارت رسید (گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۶-۱۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۵۹۸، ۴۶۴۴؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 336؛ النوبیری، ۱۴۲۴: ۲۵/۲۰۴-۲۰۵؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۳/۵۵۴-۵۵۵؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۲۸۲۳-۲۸۲۵).

### کشته شدن امیر احمد بن اسماعیل و آغاز بی سامانی در قلمرو سامانیان

سال ۳۰۱ هـ.ق. را باید سال پر مخاطره‌ای برای سامانیان دانست؛ زیرا کشته شدن احمد بن اسماعیل در جمادی‌الآخر همین سال، سبب گشت تا هرج و مرج فراوانی در قلمرو سامانیان پدیدار گردد. در این زمان بر هر منطقه‌ای از سرزمین‌های ذی نفوذ سامانیان، فردی کلیدی به امارت مشغول بود، که همین مسأله در فقدان امیر امارت، سبب بی سامانی دولت سامانی گردید.



▲ شکل ۳. اسحاق بن احمد، سمرقند، ۳۰۱ هـ.ق. (Stephen Album Rare Coins, 19-21).  
(September 2013: 17/477)

با رسیدن خبر کشته شدن احمد به بخارا، وزیر او، «ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی» به کمک بزرگان شهر، اتفاق کرده و فرزند هشت ساله او، نصر را به امیری برگزیدند؛ پس امیر جدید را بر دوش گرفتند و بر شهر گردانند، تا مردم با او بیعت نمایند (طبری، ۱۳۶۹: ۱۵/۶۷۸۰؛ قرطبی، ۱۳۶۹: ۱۶/۶۸۲۲؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۱۱؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۱؛ مسکویه الرازی، ۱۳۷۷: ۵/۸۷؛ ناطق بالحق، ۱۳۸۷: ۵۹؛ بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۲۷؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۸؛ ابن فندق، ۱۳۱۷: ۶۹؛ تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۳۰۱-۳۰۲؛ الهمذانی، ۱۳۷۷: ۱۴؛ العظیمی الحلبی، ۲۷۹: ۱۴۰۴؛ مجمل التواریخ والقصص، ۱۳۱۸: ۳۸۷؛ السمعانی، ۱۴۰۸: ۳/۲۰۱-۲۰۲؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱/۲۷۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۶۶؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 338-339؛ منهاج سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱/۲۹۷؛ البناکتی، ۱۳۴۸: ۲۱۸؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۵/۲۰۶؛ ابوالفداء، بی تا: ۲/۶۷؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳/۱۰، ۵۱؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹: ۳۷۹؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۷: ۴/۵۵-۵۷؛ ابن الوردی، ۱۴۱۷: ۱/۲۵۳؛ الصفدی، ۱۴۲۰: ۶/۱۵۶؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۳/۵۵۵؛ القلقشندی، بی تا: ۱/۲۸۱؛ فصیح خوافی، ۱۳۸۶: ۲/۴۴۶، ۴۶۰؛ معین الفقراء، ۱۳۳۹: ۲۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۶/۲۸۲۵؛ العیون والحدائق فی اخبار الحقائق، ۱۳۹۱: ۱/۲۵۵؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۱۲؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/۳۵۶؛ الحسینی القزوینی، ۱۳۱۴: ۸۵؛ غفاری، ۱۴۰۴: ۹۹؛ غفاری، ۱۳۴۳: ۹۹؛ مجدی الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۱۵؛ حاجی خلیفه، ۱۳۸۴: ۷۳؛ ابن العماد الحنبلی، ۱۴۱۰: ۴/۱۰؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۷۳)؛ بدین گونه بود که بخارا، هم پیمان نصر و ایادی حکومتش گردید.

از این رو در سمرقند، مردم با امیر شهر خود، اسحاق بیعت کردند؛ آنان نصر را در ذات خود کودک می دانستند، در حالی که اسحاق بزرگ خاندان سامانیان، دارای سابقه سیاسی و درایت نظامی بود (طبری، ۱۳۶۹: ۱۵/۶۷۸۰؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۱-۱۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۶۶؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 342؛ منهاج سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱/۲۰۸؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۵/۲۰۷؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۳/۵۵۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/۳۵۶-۳۵۷؛ مجدی الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۱۵)؛ اسحاق با نفوذ فراوانی که در قلمرو سامانی داشت، طرفدارانی یافت و مترصد ارتباط با خلیفه بغداد، المقتدر بالله (۲۹۵-۳۲۰ ه.ق.) گردید.

امیر احمد به سال ۲۹۸ ه.ق. «محمد بن علی صلوک» (۲۹۸-۳۰۱ ه.ق.) از جانب سامانیان، ۳۰۲ ه.ق. از جانب عباسیان) را که امارت ری از قبیل سامانیان داشت، فرمان طبرستان داد. محمد با اختیار گرفتن زمام طبرستان، مواجب سران آن دیار را قطع نموده و موجبات نارضایتی آن‌ها را فراهم آورد. در این زمان، «حسن بن علی علوی» (۳۰۱-۳۰۴ ه.ق.)، ملقب به «ناصر للحق (ناصر کبیر) اطروش»، از این نارضایتی بهره جست و به تحریک آنان علیه محمد اقدام نمود. سرانجام در جمادی الآخر سال ۳۰۱ ه.ق. سراسر طبرستان تسلیم گشت، محمد نیز به ری هزیمت شد (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۹۷).

پس از این که خبر کشته شدن امیر سامانی، احمد به محمد صلوک رسید، او نیز نامه‌ای به خلیفه بغداد، نگاشت و خواهان شهرری گردید؛ خلیفه نیز با درخواست او موافقت نمود و ری را بدو واگذار کرد (قرطبی، ۱۳۶۹: ۱۶/۶۸۲۷). در کنار متون



▲ شکل ۴. نقشه قلمرو حکومتی امیراحمد دوم [سامانی به سال ۲۹۷ ه.ق.]. <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/samanids/geography>.  
تاریخی، دینارهایی نیز به نام محمد بن علی، به همراه نام خلیفه و بدون آوردن نام امیر سامانی، به دست آمده که به سال ۳۰۲ ه.ق. در محمدیه (ری) به ضرب رسیده است (Album, 2011: 159).

همان طور که گفته شد، سایر مناطق قلمرو سامانی، تحت امارت افرادی با نفوذ قرار داشت که مهم‌ترین آن‌ها: «منصور بن اسحاق» (۲۹۸-۳۰۲ ه.ق.) در نیشابور (هروی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)، «احمد بن سهل مروزی» (۳۰۱-۳۰۷ ه.ق.) در طخارستان (Album, 2011: 153)، «حسین بن علی مروردی» در هرات (هروی، ۱۳۸۰: ۲۵۹-۲۶۱)، «محمد بن اسحاق» در فرغانه (Album, 2011: 156)، «مظفر بن محتاج/ محمد بن مظفر» در چغانیان (هروی، ۱۳۸۰: ۲۹۴)، «حسین بن مت» در اسپجانب (Album, 2011: 156)، و «عراق بن منصور» (۲۸۰-۳۰۵ ه.ق.) در خوارزم (Album, 2011: 157) بودند؛ از این رو کرمان و سیستان از تحت سلطه سامانیان خارج گشته و عامل خلیفه عباسی در آن‌ها استوار گشت (تاریخ سیستان، ۱۳۱۴: ۳۰۲-۳۰۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۶۶۱-۴۶۶۲؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۳/۵۵۶). در آخر، جبهه‌ای دو قطبی بر سر امارت‌یابی شکل گرفت؛ اسحاق، سرزمین‌های سمرقند، فرغانه، اسپجانب، هرات، و نیشابور را با خود هم‌پیمان ساخت و نصر نیز سرزمین‌های بخارا، طخارستان، خوارزم، و چغانیان، را به بیعت خود درآورد.

در همین زمان هریک از مدعیان امارت، اسحاق و نصر، نامه‌هایی را به دربار خلافت ارسال داشتند و خواستار مشروعیت امارت خود گشتند. اسحاق، نامه خویش را به دست «عمران مرزبانی» گسیل داشت؛ و نصر، نامه خود را سوی «حماد بن احمد» رهسپار ساخت، تا بدین واسطه از رساندن نامه، به ویژه همان نامه، به دست خلیفه وقت اطمینان حاصل نمایند (طبری، ۱۳۶۹: ۱۵/۲۷۸۰؛ قرطبی، ۱۳۶۹: ۱۶/۶۸۲۲؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 343).

در همین زمان هریک از مدعیان امارت، اسحاق و نصر، نامه‌هایی را به دربار خلافت ارسال داشتند و خواستار مشروعیت امارت خود گشتند. اسحاق، نامه خویش را به دست «عمران مرزبانی» گسیل داشت؛ و نصر، نامه خود را سوی «حماد بن احمد» رهسپار ساخت، تا بدین واسطه از رساندن نامه، به ویژه همان نامه، به دست خلیفه وقت اطمینان حاصل نمایند (طبری، ۱۳۶۹: ۱۵/۲۷۸۰؛ قرطبی، ۱۳۶۹: ۱۶/۶۸۲۲؛ Ibn Zafir al-Azdi, 1991: 343).



### بازسازی برخی از وقایع به کمک فلس ۳۰۱ ه.ق. سمرقند

در آغاز، هدف از به‌وجود آوردن سکه، آسان نمودن مبادلات و تجارت بود، اما پس از مدت کوتاهی سکه به نشانی از قومیت، حاکمیت، استقلال و... بدل گشت؛ یعنی به محض آن‌که جمعیتی نسبتاً متشکل، اندک قدرتی توأم با استقلال به‌دست می‌آوردند، برای اظهار وجود و نشان دادن اقتدار خویش به ضرب سکه مبادرت می‌نمودند (قهرمانی، ۱۳۴۹: ۲۱-۲۲). امارت سامانی و سایر امارت‌های اسلامی معاصرش نیز از دایره این برهان خارج نبوده‌اند؛ اما ناگفته نماند که در آن دوره، اجازه خلیفه بغداد لازمه‌ای بایسته برای به ضرب رساندن مسکوکات بوده است. همان‌طور که گفته شد، فلس ۳۰۱ ه.ق. سمرقند در هیچ‌کدام از چهار گونه روابط نام‌ها بر مرکز و حاشیه سکه‌های مسین قرار نگرفته، بر مرکز روی سکه نام امیر اسحاق آمده و در حاشیه آن نام امیر درگذشته، اسماعیل به چشم می‌خورد؛ اما علت این اقدام چه بوده است؟ برای درک بهتر این موضوع باید به گذشته‌ای نزدیک رجوع نمود، یعنی سال ۲۹۵ ه.ق.، مصادف با درگذشت «امیر اسماعیل سامانی».

با به قدرت رسیدن امیر احمد، مخالفانی در شهرهای جنوبی سامانیان سربرآوردند؛ این مخالفت به احتمال قریب به یقین از سوی امیران امارت تابع سامانی، «ابودودیان (بنی‌جوریان)» بوده است. به هر روی یادگار این مخالفت درهم‌هایی با نام امیر ماضی، اسماعیل است که به تاریخ ۲۹۶ ه.ق. در بلخ و ۲۹۶-۳۰۰ ه.ق. در اندرابه به ضرب رسیده است (Album, 2011: 153). به نظر نگارندگان دلیل این اقدام، عدم مشروعیت یافتن مخالفین از سوی دستگاه خلافت بوده است؛ زیرا با آوردن نام امیر درگذشته، مشروعیت خود را زیر سایه وی و امارت سامانی حفظ کرده‌اند و علاوه بر آن اعتراض خود را به امیر وقت نشان داده‌اند. حتی پس از قیام امیر اسحاق و شکست آن، آوردن نام امیر ماضی، اسماعیل بر درهم‌ها نیز دیده شده، سکه‌ای بدون نام ضرابخانه که به تاریخ ۳۰۳ ه.ق. به ضرب رسیده است.

این عمل در آینده سامانیان نیز به‌گونه‌ای دیگر رخ نمود. با گشایش بغداد توسط امرای آل بویه به سال ۳۳۴ ه.ق.، دستگاه خلافت نیز به تابعیت آنان درآمد؛ از این رو با خلع خلیفه «المستکفی بالله» (۳۳۱-۳۳۴ ه.ق.)، سامانیان حکومت خلیفه دست‌نشانده، «المطیع‌لله» (۳۳۴-۳۶۳ ه.ق.) را قانونی ندانسته و از همان سال، یعنی ۳۳۴ ه.ق. بر درهم‌ها و دینارهای خویش نام خلیفه مخلوع، المستکفی را می‌آوردند، حتی پس از درگذشت المستکفی بالله به سال ۳۳۸ ه.ق. باز هم نام او بر سکه‌ها نقش می‌شد. این روند تا سال ۴۴۵ ه.ق. ادامه یافت تا آن‌که به واسطه برخی وقایع داخلی، نام خلیفه وقت، المطیع بر سکه‌ها جایگزین گشت (Album, 2011: 154). مشابه این عمل نیز تا پایان دوره سامانیان در دوران خلافت المطیع‌لله و «الطائع‌لله» (۳۶۳-۳۸۱ ه.ق.) بوده است.

به هر روی می‌توان نتیجه گرفت ضرب این سکه در خلال فرآیند مشروعیت‌یابی اسحاق از جانب دستگاه خلافت، بوده است. از آنجا که ضرب سکه نشانی از قدرت یافتن محسوب می‌شده و مشروعیت وی برای امارت در دست اقدام بوده،



▲ شکل ۵. درهمی از مخالفان امیر وقت سامانی با نام امیر درگذشته، اسماعیل، بدون نام ضرابخانه، ۳۰۳ ه.ق. (Stephen Album Rare Coins, 16-18 January 2014: 18/439)

آوردن نام امیر ماضی بر سکه‌ها، می‌توانسته مشروعیت اسحاق را در آن مدت تضمین سازد.

### آغاز و پایان درگیری و پیروزی بخاریان بر سمرقندیان

همان‌طور که در پیش‌تر گفته شد، هریک از مدعیان امارت، نامه‌هایی را بر خلیفه عرضه ساختند و مشروعیت امارت خود را خواستار شدند. هرچند که خلیفه بغداد می‌توانست نظر مثبت و دو جانبه‌ای به هریک از این دو داشته باشد، اما به احتمال زیاد، ابتدا نظری مثبت به سوی اسحاق داشته و حاکمیت وی را تأیید نموده؛ زیرا با توجه به متون تاریخی در روز اول محرم سال ۳۰۲ ه.ق. خبر رسید که نصر بر اسحاق فائق آمده و او را به اسارت درآورده، پس آنگاه خلیفه برای نصر خلعت و لواء فرستاد (الهمذانی، ۱۳۷۷: ۱۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۰/۱۳؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۳؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۸۴/۳)؛ شاهد مثال دیگر آن که اسحاق در نیمه دوم سال ۳۰۱ ه.ق. مبادرت به ضرب انواع سکه در سمرقند نموده و پسرش منصور که امارت نیشابور را داشت، به حمایت از پدر، دینارهایی را در نیشابور به ضرب رسانده است (Album, 2011: 153)؛ اما نصر تنها زمانی اقدام به ضرب سکه نمود که اسحاق و لشکریانش را در اواخر سال ۳۰۱ ه.ق. شکست داده و سمرقند را گشوده بود (رایگانی و سعادت‌مهر، ۱۳۹۸: ۸۶-۸۷).

اندکی پس از تثبیت قدرت در سمرقند، سمرقندیان بر امیر مشروع خود، اسحاق جمع آمدند، سایر طرفداران وی نیز از نقاط نزدیک بدو پیوستند و سپاهی‌گران را گرد آوردند. اسحاق صاحب شرطه بخارا، «عوض بن محمد الهلقامی» را در سمرقند بر خود خلیفه ساخت (النسفی، ۱۳۷۸: ۶۳۰) و فرماندهی لشکر را به فرزند خود، «الیاس» وانهاد. لشکر سمرقند به اتفاق اسحاق در نیمه دوم شعبان سال ۳۰۱ ه.ق. به سوی بخارا روان گردید. بخاریان نیز لشکری مهیا کرده و آن را به «حمویه بن علی» سپردند. تلافی فریقین در نزدیکی بخارا رخ نمود و جنگی سخت در رمضان در گرفت؛ لشکر اسحاق تاب مقاومت نیاورده، منهزم گشت و به سرعت سوی سمرقند عقب نشستند.

در ادامه این واقع، حمویه لشکرش را سوی سمرقند به حرکت درآورد و اسحاق نیز سپاهی دگر آراست، نبردی تازه میانشان در گرفت. این بار نیز لشکر بخارا بر توده سمرقندیان ظفر یافت؛ سمرقند را به تغلب گشوده گشت و کشتار بزرگی انجام شد. اسحاق روی نهانید و پنهان گشت و حمویه در پی یافتن او؛ الیاس، فرزند اسحاق نیز به فرغانه گریخت و در آن مقیم گردید. سرانجام اسحاق از نهانگاه خویش به تنگ آمد، از حمویه امان خواست؛ حمویه نیز او را زنهار داده، دستگیر به بخارا گسیل داشت. با رسیدن اسحاق به بخارا، او را در قهنگدز محبوس ساختند، تا به ماه صفر سال ۳۰۲ ه.ق. مرگ را به آغوش کشید (طبری، ۱۳۶۹: ۶۷۸۱/۱۵؛ النرشخی، ۱۳۱۷: ۱۱۲؛ گردیزی، ۱۳۱۵: ۱۹؛ العظیمی الحلبی، ۱۴۰۴: ۲۷۹؛ السمعانی، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۰/۱۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۶۶۲-۴۶۶۳؛ Ibn Zafir al- Azdi, 1991: 343؛ منهاج سراج جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲۰۸/۱؛ النویری، ۱۴۲۴: ۲۹۷/۲۵؛



▲ شکل ۶. درهمی با نام خلیفه مخلوع و درگذشته، المستکفی بالله، نوح بن نصر (۳۳۱-۳۴۳ ه.ق.)، نیشابور، ۳۴۲ ه.ق. (Baldwin's: Islamic Coins, 10 December 2013: 25/676).

الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۳، ۵۸؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۵۶/۳؛ معین‌الفرعاء، ۱۳۳۹: ۲۶؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۸۴/۳؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۸۲۷/۶؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۵۷/۲؛ مجدی‌الحسینی، ۱۳۴۲: ۲۱۵).

### نتیجه‌گیری

با کشته شدن احمد بن اسماعیل، دو قطب متقابل برای تصحاب قدرت در امارت سامانی پدیدار گشت؛ یکی، قطب بخارا به امارت نصر، فرزند خردسال احمد؛ و دیگری، قطب سمرقند به امارت اسحاق، بزرگ خاندان سامانیان. از آنجایی که دو پادشاه در اقلیمی نگنجد، این دو نیز تاب تحمل نیاورده، میان بر جنگی بزرگ بیستند؛ سرانجام در این جنگ، لشکریان سمرقندی هزیمت شدند، امیرشان، اسحاق دستگیر و در محبس بخارا سکونت یافت؛ امیر بخارا، نصر نیز بر تمامی اراضی امارت سامانی، امیر گشت. متون تاریخی در این باره اطلاعات متفاوت و پراکنده‌ای عرضه ساخته‌اند؛ از این رو، پیدا شدن و معرفی سکه‌ای شاخص، آن هم متعلق به این زمان، توانست از مجهولات بکاهد و دید منسجم‌تری در اختیار محققین قرار دهد. در دنیای گذشته یکی از اهداف ضرب سکه که کمی بعدتر به مهم‌ترین هدف آن بدل گشت، به نمایش گذاشتن اقتدار و تثبیت قدرت صاحب سکه بوده است. این سکه علاوه بر دو شاخصه مهم و معمول سکه‌های سامانی، یعنی تاریخ (۳۰۱ هـ.ق.) و محل ضرب (سمرقند)، نام امیر اسماعیل سامانی را پس از شش سال از درگذشت وی، در جایگاه امیر اصلی امارت و نام امیر اسحاق را به عنوان امیر تابع، بر خود جای داده است؛ با احتساب این ویژگی‌ها و کمک سایر متون تاریخی، بخش مهمی از تاریخ سیاسی آن عصر را تبیین و بازسازی گردید؛ پس این سکه را باید نماینده اولین سکه اسحاق پس از دعوی امارت سامانیان دانست.

باید توجه داشت که یکی از ارکان مشروعیت امیر سامانی در آن دوره، تأیید دستگاه خلافت بغداد بود و نمود آن با آوردن نام خلیفه در خطبه و سکه آشکار می‌گشت؛ به طور معمول زمانی که امیر اصلی امارت سامانی، به امیری تابع فرمان سرزمینی را می‌دهد، امیر تابع برای نشان دادن مشروعیت خود، نام امیر اصلی را بر سکه‌ها نمایان می‌کند؛ حال می‌توان چنین برداشت نمود که اسحاق در آغازین روزهای امارت خود، زمانی که هنوز تأیید خلیفه عباسی به دستش نرسیده بود، مشروعیت خود را با نقر نام امیر درگذشته، اسماعیل نشان می‌داده است.

پس گره اصلی که به واسطه این سکه گشوده شد، مسأله مشروعیت یافتن اسحاق و مراحل آن از جانب خلافت بغداد بود، که می‌توان نتیجه یافت این سکه در خلال فرآیند مشروعیت‌یابی امارت امیر اسحاق از جانب خلافت عباسی، به ضرب رسیده است. از آنجا که ضرب سکه نشانی از قدرت یافتن محسوب می‌شده و مشروعیت وی برای امارت در دست اقدام بوده، آوردن نام امیر ماضی بر سکه‌ها، می‌توانسته مشروعیت اسحاق را در آن مدت تضمین سازد.

## سپاسگزاری

در پایان نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقایان سیدابراهیم رایگانی (استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور) و سیدعلی سیدموسوی (دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور)، به جهت کمک‌های فراوانشان سپاسگزاری کنند.

## پی‌نوشت

1. Stephen Album Rare Coins
  2. Checklist of Islamic Coins
  3. The Date of The Transition of Akhsikat to the Samanid Appanage Ruler Muhammad b. Asad
۴. در مورد انتخاب رو و پشت سکه، بین پژوهشگران هنوز اختلاف نظرهایی دیده می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش تصویر بالا، روی سکه، و تصویر پایین، پشت سکه منظور گردید.
۵. متن روی سکه: (مرکز) لله / محمد / رسول / الله / اسمعیل بن احمد / ح ۱۱۱ د؛ (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون. (قرآن، توبه: ۳۳). متن پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له؛ (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدرهم سنه ثلث و ثلث مائه؛ (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله. (قرآن، زم: ۴-۵).
۶. متن روی سکه: (مرکز) لله / محمد / رسول / الله / المستکفی بالله / الملك المویذ / نوح بن نصر؛ (حاشیه) محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون. (قرآن، توبه: ۳۳). متن پشت سکه: لا اله الا الله وحده / لا شریک له / مظفر؛ (حاشیه داخلی) بسم الله ضرب هذا الدرهم بنیسابور سنه ثنتین و اربعین ثلاثمائه؛ (حاشیه خارجی) لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله. (قرآن، زم: ۴-۵).

## کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۸۲، تاریخ کامل. جلد دهم و یازدهم، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد، ۱۳۲۰، تاریخ طبرستان. جلد اول، تصحیح: عباس اقبال؛ به کوشش: محمد رضائی، تهران: کلاله خاور.
- ابن‌العماد‌الحنبلی، شهاب‌الدین عبدالحی، ۱۴۱۰ق، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، الجزء الرابع. تصحیح: عبدالقادر الارناووط و محمود الارناووط، دمشق و بیروت: دار ابن‌کثیر.
- ابن‌الوردی، زین‌الدین عمر، ۱۴۱۷ق.، تاریخ ابن‌الوردی (تتمه المختصر فی اخبار البشر). الجزء الاول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌تغری بردی، جمال‌الدین یوسف، ۱۳۸۳ق.، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره. الجزء الثالث، تصحیح: احمد زکی العدوی، قاهره: المؤسسه المصریه العامه.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، ۱۴۱۲ق.، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. الجزء الثانی عشر و الثالث عشر، تصحیح: نعیم زرزور؛ تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن، ۱۳۸۳، العبر (تاریخ ابن‌خلدون). جلد سوم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن‌فندق، ابوالحسن علی، ۱۳۱۷، تاریخ بیهق. تصحیح: احمد بهمینیار، تهران: بنگاه دانش.

- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، بی‌تا، المختصر فی اخبار البشر. الجزء الثانی، قاهره: مطبعه الحسینیة المصریة.
- اصفهانی، ابوعبدالله حمزه، ۱۳۴۶، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک و الارض و الانبیاء). ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- البناکتی، فخرالدین داود، ۱۳۴۸، تاریخ بناکتی (روضه الاولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب). تصحیح: جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد، ۱۳۸۳، تاریخ بیهقی. تصحیح: علی اکبر فیاض؛ به کوشش: محمدجعفر یاقعی، چاپ چهارم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- تاریخ سیستان، ۱۳۱۴، تصحیح: محمدتقی بهار؛ به کوشش: محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۳۸۴، ترجمه تقویم التواریخ. از مترجمی ناشناخته؛ تصحیح: میرهاشم محدث، چاپ دوم، تهران: میراث مکتوب.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد، ۱۳۷۵، تاریخ نیشابور. ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری؛ به تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- الحسینی القزوی، یحیی بن عبدالطیف، ۱۳۱۴، لب التواریخ. تصحیح: سیدجلال الدین طهرانی، تهران: کلاله خاور.
- حکیمیان، ابوالفتح، ۱۳۶۸، علویان طبرستان. چاپ دوم، تهران: الهام.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، ۱۳۷۲، مآثر الملوک به ضمیمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، ۱۳۸۰، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. جلد دوم، با مقدمه جلال الدین همایی؛ تصحیح: محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، تهران: اساطیر.
- الذهبی، شمس الدین محمد، ۱۴۱۳ ق.، تاریخ اسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام. الجزء الثالث و العشرون، تصحیح: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- رایگانی، سیدابراهیم؛ و سعادت‌مهر، محمدامین، ۱۳۹۸، «پژوهشی بر سکه‌هایی شاخص از نصر بن احمد سامانی (ضرب شده به سال ۳۰۱ هـ.ق. در سمرقند)، با خوانشی نواز تاریخ سیاسی آن دوره». پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱۹، صص: ۷۳-۹۲.
- رضایی باغبیدی، حسن، ۱۳۹۳، سکه‌های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان. تهران: سمت.
- رنفریو، کالین؛ و بان، پل، ۱۳۹۰، مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی. ترجمه اکبر پورفرج و سمیه عدیلی، تهران: سمیرا.
- السمعانی، ابی سعد عبدالکریم، ۱۴۰۸ ق.، الانساب. الجزء الثالث، تصحیح: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان.

- الصفدی، صلاح‌الدین خلیل، ۱۴۲۰ق.، الوافی بالوفیات. الجزء السادس، تصحیح: احمد الارناووط و تزکی مصطفی، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- طبری، ابوجعفر محمد، ۱۳۶۹، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك). ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد پانزدهم، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- العظیمی الحلبی، ابو عبدالله محمد، ۱۴۰۴ق.، تاریخ حلب. تصحیح: ابراهیم زعرور، دمشق: بی جا.
- العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق، ۱۳۹۱ق.، الجزء الرابع القسم الاول، تصحیح: عمر سعیدی، دمشق: المعهد الفرنسي بدمشق للدراسات العربیه.
- غفاری، احمد بن محمد، ۱۳۴۳، تاریخ جهان آرا. تصحیح: حسن نراقی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- غفاری، احمد بن محمد، ۱۴۰۴ق.، تاریخ نگارستان. تصحیح: مرتضی مدرس‌گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فصیح‌خوافی، احمد بن محمد، ۱۳۸۶، مجمل فصیحی. جلد دوم، تصحیح: سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- قرطبی، عریب بن سعد، ۱۳۶۹، دنباله تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- القلقشندی، ابی‌العباس احمد، بی تا، مآثر الانافه فی معالم الخلافه. الجزء الاول، تصحیح: عبدالستار احمد فراج، بیروت: عام الکتب.
- قهرمانی، ابوالفضل، ۱۳۴۹، «سکه، نشان قومیت و آزادگی (۱)». هنر و مردم، شماره ۹۲، صص: ۲۱-۳۵.
- کیان زادگان، سوسن؛ رجایی، سیدجلال؛ مسجدی خاک، پرستو؛ و سعادت‌مهر، محمدامین، ۱۳۹۸، «تجزیه‌ی عنصری سکه‌های پیروز ساسانی به روش پیکسی (PIXE)، مطالعه موردی: سکه‌های گنجینه‌ی پیروزگت کشف شده از روستای تیس چابهار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۲، صص: ۱۸۱-۱۹۶.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، ۱۳۱۵، زین الاخبار (تاریخ گردیزی). تصحیح: محمد قزوینی، تهران: کتابخانه ادب.
- مجد‌الحسینی، مجدالدین محمد، ۱۳۴۲، زینت المجالس. تصحیح: احمد احمدی، تهران: کتابفروشی سنایی.
- مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، تصحیح: محمد تقی بهار؛ به کوشش: محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده. تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر، ۱۳۸۷، ظفرنامه (قسم احکامیه). جلد چهارم، تصحیح: روح‌انگیز کراچی؛ زیر نظر: مهدی مدائنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مسکویه‌الرازی، ابوعلی احمد، ۱۳۷۷، تجارب الامم و تعاقب الهمم. الجزء الخامس، تصحیح: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

- معین الفقراء، احمد بن محمود، ۱۳۳۹، تاریخ ملازاده (مزارات بخارا). تصحیح: احمد گلچین معانی، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- منهاج سراج جوزجانی، منهاج الدین عثمان، ۱۳۴۲، طبقات ناصری. جلد اول، تصحیح: عبدالحی حبیبی، چاپ دوم، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
- موسوی حاجی، سیدرسول؛ شریفی، مصطفی؛ و شفیع‌فر، فرزاد، ۱۳۹۱، «رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۴۵-۶۰.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه، ۱۳۸۰، روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوك و الخلفاء. جلد ششم، تصحیح: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ناطق بالحق، ابوطالب یحیی، ۱۳۸۷، الافادة فی تاریخ الائمة الساده. تصحیح: محمد کاظم رحمتی، تهران: میراث مکتوب.
- النرشخی، ابوبکر محمد، ۱۳۱۷، تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمد بن محمد القباوی؛ تلخیص: محمد بن زفر؛ تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، تهران: کتابفروشی سنایی.
- النسفی، نجم الدین عمر، ۱۳۷۸، القند فی ذکر علماء سمرقند. تصحیح: یوسف الهادی، تهران: میراث مکتوب.
- النویری، شهاب الدین احمد، ۱۴۲۴ق.، نهیة الارب فی فنون الادب. الجزء الخامس و العشرون، تصحیح: عبدالمجید ترحینی، بیروت: دارالکتب علمیه.
- هدایت، رضاقلی خان، ۱۳۷۳، فهرس التواریخ. تصحیح: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هروی، جواد، ۱۳۸۰، تاریخ سامانیان: عصر طلایی ایران بعد از اسلام. تهران: امیرکبیر.
- الهمذانی، ابوالحسن محمد، ۱۳۷۷ق.، تکملة تاریخ الطبری، تصحیح: البرت یوسف کنعان، بیروت: المطبعة الكاثولیکیه.

- Album, S., 2011, *Checklist of Islamic Coins*. Third Edition, Santa Rosa, Stephen Album Rare Coins.

- Baldwin's: *Islamic Coins*, 10 December 2013, Auction 25, London, A. H. Baldwin & Son Ltd.

- Fedorov, M., 2004, "Farghana under the Samanids (According to the Data of Numismatics)". *Iran*, vol. 42, Pp: 119-129.

- Fedorov, M., 2008, "The Date of The Transition of Akhsikat to the Samanid Appanage Ruler Muhammad b. Asad". *Iran*, Vol. 46, Pp: 361-364.

- Ibn Zafir al-Azdi, A., 1991, "Akhbar al-Duwal al-Islamiyya". *The Political History of the Samanid State*, By W. L. Treadwell, (Ph. D. diss., University of Oxford), Pp: 333-352.

- Shams Eshragh, A., 2010, *Silver Coinage of the Caliphs*. Second Edition, London, Spink & Son LTD.
- *Stephen Album Rare Coin*, 18-19 January 2013, Auction 15, Santa Rosa, Stephen Album Rare Coins.
- *Stephen Album Rare Coin*, 19-21 September 2013, Auction 17, Santa Rosa, Stephen Album Rare Coins.
- *Stephen Album Rare Coins*, 16-18 January 2014, Auction 18, Santa Rosa, Stephen Album Rare Coins.
- Добровольский, И. Г., 1967, “Фельсы саманидов Асада ибн Ахмада”, *Труды Государственного Эрмитажа*, том IX (Нумизматика 3), Pp: 87-88.
- <http://db.stevealbum.com/php/rarity.php>
- <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/samanids/geography>.